انترناسیونال می پرسد:

**تشکلیابی سراسری کارگران**

**انترناسیونال:** تشکلیابی سراسری کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان و سایر اقشار جامعه، نه فقط امری عاجل و گرهی بلکه، یکی از بحث های جاری در میان فعالین است. شما بر این باورید که کارگران می توانند در شرایط حاضر بطور سراسری متشکل شوند. چگونه می توان موانع این امر که در قدم اول فشار نیروهای امنیتی رژیم است را خنثی کرد. طی ماههای گذشته رهبران و فعالین کارگری و معلمان را با احکام زندان، شلاق، تبعید و وثیقه های سنگین تحت فشار بیشتری قرار داده اند. آیا در چنین شرایطی تشکلیابی ممکن است؟

**اصغر کریمی:** روشن است که سد سرکوب مانعی اساسی بر سر راه متشکل شدن مردم است. اما مردم به همت مبارزات طولانی مدت خود، بسیاری موانع سر راه خود را کنار زده اند. اعتصاب و تجمع و شعار دادن علیه مقامات و اختلاس های آنها، دسترسی به تلویزیون های اپوزیسیون و بسیاری شبکه های دیگر علمی و غیر مذهبی و یا تماس گرفتن و ظاهر شدن در این رسانه ها، موسیقی و کنار زدن حجاب و کنار گذاشتن مذهب و هزار چیز دیگر هم در این مملکت ممنوع بوده اما مردم همه اینها را عقب زده اند و سد خفقان را شکسته اند. آیا این نکته درمورد تشکل نباید صدق کند؟ امروز تقریبا همه اذعان دارند که مبارزات بسیار گسترش یافته است، تعرضی تر شده است، توان سرکوب توسط حکومت قابل مقایسه با یکی دو دهه قبل نیست، انبوهی از فعالین و رهبران کارگری و اجتماعی در دل مبارزات طولانی مدت خود پرورش یافته اند، شبکه های اجتماعی نیز به ظرفی برای متحد شدن و فعالیت مبارزاتی تبدیل شده است، سوال ساده و سرراست این است که آیا این فاکتورها تغییری در امکان متشکل شدن هم ایجاد کرده است یا نه؟ هر عقل سلیمی حکم میکند که موانع امروز به اندازه موانع یکی دو دهه قبل نیست و در نتیجه باید ذهنیات گذشته را به گذشته سپرد و از روزنه هایی که ایجاد شده و هر روز بیشتر میشود برای متشکل شدن استفاده کرد. ما به مثابه حزب کمونیست کارگری این تغییر شرایط را بدقت و روزانه دنبال میکنیم، از نزدیک کلیه حرکات اعتراضی را زیر نظر داریم، با برخی فعالین این حرکات در تماس هستیم، با آنها تبادل نظر میکنیم و به این نتیجه میرسیم که زمان تشکلیابی در مقیاس محلی و سراسری، در اشکال مختلف و در میان بخش های مختلف جامعه فرارسیده است. اگر چیزی عجیب است تصویر برخی جریانات چپ است که عین سه دهه قبل باقی مانده است. نمیشود، رژیم نمیگذارد، میگیرد، سرکوب میکند، زود است، و هزار مانع را جلو فعالین میگذارند که بگویند نمیشود. بعضا صریحا میگویند تا جمهوری اسلامی هست نمیشود. اما همه فاکتورهای عینی میگوید که ارزیابی ما است که زمینی و عینی است.

مانع سرکوب و دستگیری را هم نباید زیاد بزرگ کرد. سالانه چند هزار اعتصاب و تجمع در کشور صورت میگیرد. هزاران نفر از مبارزان برای حکومت کاملا شناخته شده هستند، هزاران سازمانده اعتصاب و تجمع مشغول کارند و بسیاری از آنها برای حکومت و عواملش شناخته شده هستند و تعداد محدودی از آنها هم مورد اذیت و آزار قرار میگیرند. رژیم یک حرکت را مانع میشود یا سرکوب میکند در مقابلش صد اعتراض دیگر شکل میگیرد. امروز هر تک دستگیری برای رژیم هزینه سیاسی زیادی دارد. نمیتواند صدها، چه برسد هزاران نفر از معلمان و کارگران و دانشجویان و فعالین اجتماعی را زندانی کند. همین تعداد موجود فعالین سیاسی و کارگری در زندانها به حد کافی موی دماغش شده اند. نمیخواهد خیلی ها را دستگیر کند و فردا بعنوان رهبران سیاسی و محبوب مردم آنها را به جامعه برگرداند. شاید هم روزی دست به چنین کاری بزند و به احتمال قوی خواهد زد، اما سالها است که نتوانسته است. آیا این فرجه ای برای فعالین ایجاد نکرده است که گام بزرگی به جلو بردارند و دست به کار تشکل به اشکال مختلف، کانون ها و کمیته ها و جمع ها و نهادهای مختلف، بزنند؟

**انترناسیونال:** یک مانع دیگر برای تشکلیابی، تفاوت نظرات و اختلافات فعالین و رهبران اعتراضات اجتماعیاز جمله درمورد روش ها و راهکارهای تشکلیابی است. چگونه می توان علیرغم وجود این تفاوت ها،چگونه می توان به درک واحد و یکسانی در میان فعالین برای سازمانیابی دست یافت و جنبشی برای سازماندهی شکل داد؟

**اصغر کریمی:** اختلاف نظر در میان فعالین واقعی و طبیعی است. اما اولا باید تلاش کرد تفاهم و نزدیکی فکری بیشتری ایجاد کرد. این بخشی از تلاش ما است. ثانیا قرار نیست اول اختلاف نظر میان همه فعالین حل شود بعد تشکل ایجاد شود. در یک مملکت هشتاد میلیونی، که به معنی واقعی کلمه میلیون ها نفر کارگر و زن و جوان و غیره به اشکال مختلف در حال اعتراض هستند، در هر عرصه و زمینه ای کلی آدم هم فکر و هم نظر هم وجود دارد. سوم اینکه اتفاق نظر معمولا موقعی بیشتر میشود که عده ای حرکتی راه بیندازند تا عده بیشتری به عملی بودن آن قانع شوند. این اصل در همه زمینه ها صادق است. یعنی با عمل و پیشروی و غلبه بر موانع، دیگران را می توان قانع کرد.

واقعیت این است که تغییراتی که در شرایط ایجاد شده است توسط بخشی از فعالین هضم شده و توسط بخش بیشتری از فعالین هنوز هضم نشده است. به این معنی عنصر ذهنی و انسانی از شرایط عینی عقب است. تلاش ما به همراه فعالینی که چنین تحلیلی از اوضاع دارند، این است که تعداد هرچه بیشتری از فعالین را متوجه تغییرات در شرایط بکنیم. تغییراتی که خود آنها عامل مهم آن بوده اند.

امروز خوشبختانه تعداد رو به افزایشی از فعالین کارگری و اجتماعی اعتمادشان به حزب و سیاست ها و راهکارهای آن بیشتر شده است. سلامت سیاسی و رفتاری حزب را از نزدیک دیده اند، در تماس هایشان و در مشاهداتشان متوجه صمیمیت و در عین حال استواری سیاسی و عملی ما شده اند، به صحت بسیاری از احکام سیاسی حزب پی برده اند، حضور فعال حزب در جدل های سیاسی و در فعالیت های میدانی را دیده اند، تفاوت ما با جریانات دیگر را بهتر و شفاف تر متوجه شده اند و در نتیجه نفوذ فکری و سیاسی حزب بطور محسوسی دارد تغییر میکند. این فاکتور به حزب کمک میکند که در تبادل نظر گسترده تر با فعالین‌ موانع ذهنی و عملی را بهتر بشناسد و سریعتر بر آنها غلبه کند.

یک نکته مهم دیگر را هم باید اضافه کنم. دوره گسترش فعالیت حول حزب هم به یمن تغییراتی که اشاره کردم فرارسیده است. باید جنب و جوشی وسیع برای تحزب براه انداخت. کم نیستند فعالین کارگری و اجتماعی که هرچند در سازماندهی در عرصه های خاصی از مبارزه نقش قابل توجهی دارند، ولی بدلیل درک محدود از مبارزه در ابعاد سراسری، مبارزه علیه جبنش ها و گرایشات ملی اسلامی و ناسیونالیستی و دست راستی، متوجه اهمیت یک حزب سیاسی چپ و فراگیر حتی برای تقویت همان عرصه فعالیت خود نبوده اند اما تجربه مبارزاتی آنها در این دوره و از طرفی گسترش حضور و نقش حزب در مبارزات روزمره، شروع به تغییر ذهنیات آنها کرده است. اینجا نقش فعالین حزب در داخل کشور حیاتی میشود. لازم است این تغییرات را بدقت دنبال کنند و خود را برای دوره جدید فعالیت آماده سازند. ضرورت حزب و امکان فعالیت حول حزب را با فعالین دیگر در میان بگذارند و توجه تعداد هرچه بیشتری از آنها به حزب را جلب کنند. مهم این است که شرایط، ذهنیات و تصویر بسیاری از فعالین نسبت به حزب عوض شده است. این را باید دریافت و کار در این عرصه را به اولویت تبدیل کرد. دوره تشکلیابی حزبی و گسترش سیاسی و تشکیلاتی حزب نیز پاپیای تشکلیابی غیر حزبی فرارسیده است.